**بروسه کهن سال: شهری از شهرهای معتبر ترکیه امروز**

**جمالزاده، سید محمد علی**

«تلویزیون»ژنو مجله‏ای دارد هفتگی.مجلهء آموزنده‏ایست و چون عکسهای رنگی‏ بسیاری هم بچاپ می‏رساند من بدقت آنرا میخوانم.در شمارهء اخیر آن مجله که«تلویزیون‏ و رادیو،من همه چیز را می‏بینم»عنوان دارد و تاریخش 20 ژانویه 1972 بود مقالهء خوبی با چند عکس رنگی و غیر رنگی دیدم دربارهء یکی از شهرهای معروف ترکیه که جلب‏ توجهم را کرد.

عنوان مقاله«بروسه خواب و خیال ترک»بود و مخبر مجله که بدان شهر بسیاحت‏ رفته بوده شرحی دربارهء آن شهر تاریخی نوشته است.

آنچه در ضمن مقاله ذهن مرا مدتی مشغول داشت دو نکته بود،یکی اینکه نوشته است‏ در این شهر که امروز 000،300(سیصد هزار)جمعیت دارد 50 درصد اهالی بی‏سواد هستند و نکتهء دیگر آنکه بقول نویسنده«احساسات مذهبی هنوز هم نقش بسیار مهمی در نزد ساکنین شهر دارد و هر روز چهار مرتبه مساجد شهر که گنجهای واقعی فن معماری‏ و مواریث سلاطین آل عثمانی هستند پر از مسلمانان با عقیده میشود».

تعجب کردم و بخود گفتم عجبا که بیشتر از نیم قرن از اصلاحات و انقلاب پر سر و صدای اتاتورک بزرگ می‏گذرد و با آنکه بزور خط را تغییر دادند و خط لاتین و الفبای‏ فرنگستان جای الفبای عربی را گرفت و با آنکه با شدت عجیبی با دین و مذهب مبارزه‏ نمودند و درهای مساجد و مدارس(و حتی مقبرهء مولوی خودمان را در قونیه)بستند و صداهای اذان و نماز و دعا و قرائت را خاموش ساختند باز امروز در شهر معتبری مانند بروسه که قرنها پایتخت کشور بوده است نیمی از مخلوق سواد خواندن و نوشتن ندارند و مردم برای نماز و دعا روزی چهار بار بمساجد هجوم می‏آوردند و باز یکبار دیگر بر من‏ معلوم شد که این قبیل کارها یعنی متمدن ساختن قوم و روشن ساختن اذهان کار زور و عجله‏ و شتابزدگی و شمشیر و سرنیزه نیست و حقیقت همان است که گفته‏اند و شنیده‏ایم که

«الامور مرهونة باوقاتها»

یعنی تخم باید بیست و یک روز زیر پر و بال مرغ بماند،تا جوجه از آن در آید و نردبان پله به پله است و کار زور با دوام و با ثبات و برکت نمیشود.

حالا که صحبت از شهر بروسه بمیان آمد بیفایده نخواهد بود که بموجب مندرجات‏ مقاله‏ای که بدان اشاره رفت اطلاعاتی نیز دربارهء آن شهر بعرض خوانندگان محترم برسانم.

چنانکه میدانید شهر بروسه شهری است از شهرهای معتبر ترکیه که در مغرب شبه جزیرهء آسیای صغیر(ترکیه)در جنوب شرقی دریای مرمره واقع و شهر بسیار سرسبز و خرم و با صفائی است و آبهای گرم طبی معدنی و محصول ابریشم سازی آن مشهور است. شهر در پای کوه«اولوداغ»واقع و دارای چشمه‏های متعدد آب گرم و سرد است.

خانه‏ها عموما از چوب برنگهای گوناگون و بیشتر برنگ آبی و سبز ساخته شده است. انسان وقتی پس از طی دشتهای خشک و بی‏آب و علف آناطولی بدانجا می‏رسد خود را در بهشت عدن می‏پندارد.تمام شهر در حاشیه یک خیابان طویل و عریض اسفالته شده واقع است‏ که در حکم ستون فقرات شهر است.

ادارات دولتی در عمارت بزرگی که بطرز معماری جدید ساخته شده تمرکز یافته است‏ و وکلای دادگستری معتبر و پزشکهای مشهور شهر هم در همانجا مطب و دار الوکاله دارند.

در اطراف این خیابان مرکزی که منتهی بمیدان جمهوریت و مجسمهء سوار اتاترک‏ میشود در کوچه‏های قدیم و خانه‏های چوبی بچه‏های خردسال بسیاری با پای برهنه بدینطرف‏ و آنطرف مشغول بازی و رفت‏وآمدند و دکاندارها سرگرم کسب و کار خود هستند،هر صنفی‏ از قبیل خیاط و درشکه‏ساز و غیره برای خود بازاری دارند.

شهر در دامنهء کوه واقع است و هر سال بناهای تازه‏ای این دامنه را تنگتر میسازد. هنوز در کوچه‏های مرکز شهر عدهء زیادی سگ بی‏صاحب و مرغ و خروس دیده میشود و بمحض اینکه از محوطه بیرون برویم با گله‏های بز و گوسفند و مردم خر سوار مواجه‏ میگردیم.

در شهر خانه‏ها چنان بهم چسبیده و درهم و برهم و راهها پرپیچ و خم است که صحبت‏ کردن از کوچه و خیابان در حقیقت معنائی ندارد.کرایه خانه در ماه عموما در حدود 16 تا 50 فرانک سویس(30 تا صد تومان)است و مزد کارگر هم رویهمرفته در حدود 200 تومان در ماه است.(بموجب سالنامهء آمار ترکیه در سال 1968 میلادی)و از اینرو چه‏ بسا دیده میشود که چهار پنج نفر در یک اطاق زندگی میکنند.

شهر با آنکه در حدود سیصد هزار سکنه دارد تنها یک مریضخانهء دولتی بیشتر ندارد و آن نیز فقط با صد تختخواب ولی از این مریضخانهء دولتی گذشته پنج مریضخانهء خصوصی‏ دیگر و ده مرکز طبی هم در شهر وجود دارد که همه مریض می‏پذیرند.

بیشتر از پنجاه درصد مردم سواد خواندن و نوشتن ندارند ولی باوجوداین نمیتوان‏ گفت که بروسه شهر عقب مانده‏ایست چونکه از سوابق ایام شهر دارای بعضی صناعاتی از قبیل پارچه‏بافی دارد که برفاه شهر کمک می‏رساند چیزی که هست کارخانه‏ها بسیار پر سر و صدا و کثیف است و وضع کار در دوره‏های گذشتهء اروپا را در قرن نوزدهم بخاطر می‏آورد.

شهر جدید بروسه در چند کیلومتری شهر قدیم بوجود آمده است و در آنجا با کمک دولت‏ و علی الخصوص وزارت کشور و اطاق تجارت صناعت جدید و تعلیم و تربیت ترقی روزافزون‏ دارد و کارخانجات معتبری از قبیل کارخانه‏های اتومبیل‏سازی«فیات»و«رونو»و چندین‏ کارخانهء پارچه‏بافی مشغول کار شده‏اند ولی باز 000,50 آدم بیکار در شهر شمرده شده که‏ همه در انتظار کار هستند بخصوص که بیمهء بیکاری هم وجود ندارد.

روزی که نخست‏وزیر برای افتتاح سه کارخانه و یک مریضخانه به بروسه آمد مردم‏ با شعف و شادی از او استقبال کردند و گوسفند سر بریدند و نخست‏وزیر در میدان شهر نطق‏ کرد.جوانان از پسر و دختر(پسران با لباس سربازان قدیمی ترکیه موسوم به«نیچر» و دختران با لباس نظامی بصورت«ماژورت»)با موسیقی سان دادند و مردم هلهله کردند. باید دانست که بروسه در حدود چهل سال پایتخت اپراطوری سلاطین عثمانی بود(پیش از آنکه ادرنه و استانبول-قسطنطنیه-پایتخت بشود).پیش از ترکها بروسه که در سال 182 قبل از میلاد بنام«پروزا»بدست پروزیاس دوم پادشاه کشور بی‏تی‏نی بنا شده بود در سال‏ 1326 میلادی بدست عثمانیان افتاد و تا سال 1366 میلادی چهل سال پایتخت سلاطین عثمانی‏ بود تا آنکه در سال 1042 بدست سپاه مغول خراب و ویران گردید و قسمت اعظم آنچه‏ امروز وجود دارد از نو ساخته شده است.

بناها و مساجدی که هنوز در بروسه عظمت و شکوه خود را نگاهداشته از آثاری است‏ که سلاطین عثمانی در آنجا باقی گذاشته‏اند.مسجد موسوم به«قزل جامع»(مسجد سبز) و مقبره«قزل تربت»(مقبرهء سبز)که از معتبرترین بناهای شهر بشمار می‏آید و بدست‏ سلطان محمد در حدود سال 1420 میلادی ساخته شده است.اما فخیم‏ترین بنای شهر مسجد بزرگ موسوم به«اولو جامع»1است که دارای بیست گنبد است.

مزار چند تن از سلاطین بزرگ آل عثمان در باغ بسیار مصفائی است که بقول صاحب‏ مقاله بهشت عدن را بخاطر می‏آورد و هشت تن از سلاطین عثمانی را در انجا بخاک سپرده‏اند. بعضی از این هشت قبر که در اطراف مسجدی بنام«مسجد مرادیه»(باسم سلطان مراد دوم) واقع است که بشکل هشت گوشه و بعضی دیگر شش ضلعی ساخته شده است.

حمامهای قدیمی که برای استفاده از آبهای معدنی طبی ساخته شده و موسوم است به‏ «اسکی قایلیکا»(حمامهای قدیم)نیز از بناهای دیدنی شهر بشمار میآید و در تاریخ‏ می‏خوانیم که امپراطریس نامی روم شرقی(بیزانس)موسوم به تئودورا که از سال 527- 548 میلادی ملکهء روم شرقی و زوجهء امپراطور معروف بیزانس موسوم به ژوستی نیان بود برای استحمام بدانجا آمد و چهار هزار تن از مرد و زن درباری در رکاب او بوده‏اند.

\*\*\* مقصود از تهیه و ترجمهء این مطالب این بود که هموطنان ما متوجه باشند که ترکیه‏ که دارای تعلیمات عمومی اجباری هم هست و با آنکه نیم قرن پیش از این خط خود را تغییر داد و با شدت هرچه تمامتر درصدد برآمد که مردم را از عقاید مذهبی برگرداند هنوز هم در شهر معتبری چون بروسه که زیاد از پایتخت هم دور نیفتاده است پنجاه درصد مردم‏ بیسوادند و هنوز در ساعات نماز و دعا در مساجد صدای مؤذن بلند است و مؤمنین و مؤمنات‏ صف می‏بندند و از خداوند منان طلب مغفرت میکنند و عافیت و رستگاری درخواست میکنند که بهترین راه وصول بدان همانا علم ادیان و ابدان است که امروز بنام دانش و معرفت‏ و کتاب و دانشگاه در دانشکده خوانده میشود و از هر راه و بوسیلهء هر خطی که بدان برنهیم‏ امید رستگاری در میان است ولو آن خط و آن عقاید محتاج اصلاح و هدایت هم باشد(و چیست‏ در عالم مخلوق که محتاج اصلاح و تکمیل نباشد).

(1)-املاء و معنی کلمهء«اولو»بر من معلوم نگردید،شاید«علو جامع»باشد.